

[ابتدای گفتگو ضبط نشده]

داریوش فروهر: من جاهای گوناگون را دیدم. می‌رفتم با همسر سبزه‌ی نوروزی را در یکی از آبروها بیندازم و دیدم که جای سوزن‌انداز نیست؛ همه‌ی بزرگراه‌ها و همه‌ی جاده‌های ورودی شهر به شکل شلوغ‌ترین خیابان‌ها شده بودند، اتومبیل‌های کوچک و بزرگ در کنارشان پارک شده بود؛ مردم به شادمانی پرداخته بودند و حتی بساط پای‌کوبی و بازی‌های ویژه‌ی نوروز نیز گسترده بود. پس این مردم هستند، ولی با جمهوری اسلامی در یک قهر سنگینی به‌سرمی‌برند. هر کس این قهر سنگین را به هر دستاویزی بشکند، به نظر من، خطای جبران‌ناپذیری کرده است.

گزارشگر: خود شما کجا رفتید روز سیزده‌بدر؟

داریوش فروهر: خود من، روز سیزده! من به طور معمول – چون بیشتر نزدیکانم هم دور از ایران هستند – تنها با همسرم به یک صیدرویی هست در خیابان جلفا انتهای خیابان کوروش بزرگ، که اکنون «دکتر شریعتی» نام داده شده، می‌روم. چند سالی است که سبزه‌های سر هفت‌سین را در آن می‌اندازیم. به آنجا رفتیم؛ و بعد سه چهار ساعت در شهر به گشتن پرداختیم، چون به‌راستی می‌خواستیم واکنش مردم را برای برگزاری یک سنت ملی شادی‌آور در سنجش با روز قبلش [۱۲ فروردین، روز جمهوری اسلامی] ببینیم. خیلی جاها سر زدیم، به پارک‌های زیادی، از پارک مرکزی شهر، که کهنه‌ترین پارک است، تا پارک‌های تازه، به بزرگراه‌ها و به گرداگرد شهر، تا آنجایی که انبوه آمدورفت فرصت می‌داد، سر زدیم.

گزارشگر: احساس مباهات کردید؟

داریوش فروهر: بسیار بسیار. ملت ایران زنده است و در بزنگاه‌ها خود را نشان می‌دهد و، به‌هنگام، همه‌ی ناستودگی‌ها را خواهد زدود.

گزارشگر: جناب آقای فروهر، سناریو برای انتخابات از این قرار است که آقای ناطق نوری، آن طرف، دکتر خاتمی، این‌طرف، و آقای سبحانی و آقای یزدی هم خودشان را کاندید می‌کنند. ظاهراً بعد قرار است که ... **داریوش فروهر:** من، از آنجایی که فهرست دارم، تا کنون یازده نفر خود را نامزد کرده‌اند. به‌ظاهر، مصاحبه دارند، آگهی داده‌اند و سخنرانی پدید می‌آورند؛ گرچه که بنا بر قرارمندی‌هایی که سردمداران جمهوری اسلامی دارند باید تبلیغ پس از تشخیص صلاحیت از سوی ... [این قسمت ضبط نشده است]

گزارشگر: قرار است آقایان به سود آقای خاتمی کناره‌گیری کنند، بله؟

داریوش فروهر: من از این موضوع، چون تماس نزدیک ندارم، خبر درستی هم ندارم.

گزارشگر: آیا اعلامیه‌ی تحریم شما منتشر شده، آقای فروهر؟

داریوش فروهر: ببینید، سیر برخورد ما با انتخابات چنین است که حزبی که من به آن وابستگی دارم، حزب ملت ایران، از دومین مرحله‌ی انتخابات نخستین دوره‌ی مجلس شورای ملی، آن هنگام اسمش «مجلس شورای ملی» بود، که دید دست‌کاری‌هایی در آن شد، خود را کناره کشید.

بعد هم این کناره‌گیری از آنچه بعدها «نمایش انتخابات» نام داده شد دنبال گردید؛ در همه‌ی آنچه که عنوان

«انتخابات» به آن می‌دهند، چه برای رئیس‌جمهوری چه برای نمایندگی مجلس و چه حتی مجلس خبرگان. در انتخابات دوره‌ی پیشین، پیش‌شرط‌هایی را برای نخستین بار عنوان کرد. اگر این پیش‌شرط‌ها پذیرفته و عمل نشوند، انتخابات نمی‌تواند آزاد باشد و شرکت نخواهد کرد. بعد، این پیش‌شرط‌ها باز در انتخاباتی که برای مجلس می‌شد طرح گردید. اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی ایران هم روی این پیش‌شرط‌ها پافشاری کرد و در پانزده آبان ۱۳۷۵ اعلامیه‌ای داد زیر عنوان «پیش‌شرط‌های هر گزینش ملی». غرض این بود که انتخابات مجلس و انتخابات رئیس‌جمهوری و حتی، چنان‌که ضرورت می‌نماید، یک همه‌پرسی باید با عملی شدن این پیش‌شرط‌ها انجام شود؛ و سپس می‌توان گفت که درست است. اکنون هم سازمان‌های سیاسی دگراندیش روی انجام این پیش‌شرط‌ها پافشار بوده‌اند؛ ولی چون آن جبهه‌ی فراگیری که مورد نظر است برای رویارویی با جمهوری اسلامی هنوز پدید نیامده است، در واپسین نشست شورای اتحاد حزب‌ها و نیروهای ملی، تصمیم گرفته شد که در ۲۵ اردیبهشت تصمیم نهایی به آگاهی همگان رسانده شود دایر بر اینکه کنارگیری کنید و به قهر سنگین مردم ارج بگذارید.

گزارشگر: جناب فروهر، عرض می‌کنم چند نفر هم در خارج خود را کاندید کرده‌اند. چند روز پیش گفتگو می‌کردیم با آقای به نام علی فراستی و گفتند که به در ایران بودند و خیلی علاقه‌مند بودند که با شما دیدار کنند و شما ایشان را نپذیرفتید.

داریوش فروهر: و الله، من در هنگامی که برای جراحی به بیرون از کشور رفته بودم آقای فراستی در فرانسه پیش من آمدند؛ و آنچه که آن هنگام بیان داشتند در راستای ناسازواری با جمهوری اسلامی بود، ولی بعد ناگهان شنیدم که به ایران می‌آیند و قصد نامزدی دارند. بعد هم خود را دارای التزام نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی عنوان کردند و دم از اینکه می‌خواهند با تخصصی که دارند در سازندگی شرکت کنند زدند. این برای من بسیار شگفت‌آور بود و طبیعی بود که دیدار و گفت‌وگوشون با ایشان سودی نخواهد داشت.

گزارشگر: پس انگیزه‌ی سیاسی داشت عدم دیدار شما؟

داریوش فروهر: بله، پس نه فرض بگیرید نماینده‌ی سازمان مجاهدین خلق بودند که من بسیار نگران باشم از دیدار ایشان!

گزارشگر: آقای فروهر، ما ایرانیان مقیم آمریکا با پدیده‌ای روبه‌رو شدیم به نام «آقای عبدالکریم سروش»، که این روزها در آمریکا هستند و این جا و آنجا گفتگو می‌کنند و دیدم گاهی از ایشان به عنوان امیدی برای یک نظام اسلامی خندان سخن به میان آورده شده.

داریوش فروهر: امیدی برای چه؟

گزارشگر: اسلام خندان، یک اسلام شاد، یک اسلام معتدل، یک اسلام بدون روحانیت و از این چیزها. می‌خواهم بدانم شما هم در ایران با این پدیده آشنایی دارید؟

داریوش فروهر: بله. کارهایی که ایشان می‌کردند، گردهمایی‌هایی که در آن‌ها ایشان سخنرانی‌هایی می‌کردند بیش و کم دنبال می‌کردم یا در نشریه‌ها می‌خواندم. من زیاد در این بار فلسفی سنگین ساختن و هدف‌هایی را در لابه‌لایش پیچیدن تخصص ندارم که سر در بیاورم. من جان کلام را از نظر سیاسی گفته‌ام و اسلام هم باور دارم که همیشه خندان بوده است؛ مگر در دستگاه دین‌فروشان، دستگاه آن کسانی که باور دینی مردم را وسیله‌ی به قدرت رسیدن قرار داده‌اند. جان کلام آن که آقای سروش یا هر کس دیگری آشکارا به دنبال جدایی دین از دولت بود من امیدوارم پیروز بشود.

گزارشگر: خوب، جناب فروهر، بگذارید آخرین سؤال را با شما در میان بگذارم. عمر شما دراز باشد. اجازه بدهید یک سؤالی بکنم که شاید خوشایند نباشد، ولی از نظر تشکیلاتی شاید مهم باشد. می‌خواهم ببینم که حزب شما پس از شما چه سرنوشتی پیدا می‌کند، یعنی میراث‌های حزبی چه خواهد شد؟

داریوش فروهر: حزب ملت ایران دارای یک شورای مرکزی است؛ و این شورای مرکزی هموندانی دارد که هر یک شاید بیش از سی سال پیشینه‌ی شرکت در پیکارهای رهایی‌بخش ملی را داشته‌اند. به گمان من، از میان آن‌ها، کسانی که همانند من یا حتی بهتر از من بتوانند وظایف ملی خود را انجام دهند در هنگام نیاز به صحنه خواهند آمد.

گزارشگر: جانشینی را انتخاب نکردید؟

داریوش فروهر: جانشین را من نمی‌توانم برگزینم. جانشین را در هنگامی که من دیگر در صحنه نباشم همان شورای مرکزی خواهد گزید.

گزارشگر: جالب است که به شما بگویم این پرسش را امروز یکی از اعضای وفادار حزب شما، که تلفن زدند و با من صحبت می‌کردند، داشتند. گفتند که حتماً این پرسش را با آقای داریوش فروهر در میان بگذارید؛ و من هم با شما در میان گذاشتم. سپاس‌گزارم از شما، آقای داریوش فروهر.

شنوندگان ارجمند، بنده به عنوان یک روزنامه‌نگار همیشه نسبت به شخصیت‌هایی که شجاعت دارند و از هیچ پرسشی نمی‌ترسند احساس احترام داشته‌ام؛ و نسبت به آقای فروهر همیشه این احساس احترام بوده؛ و ممنونم که هیچ وقت در گفتگو از ما نپرسیدند که چه پرسش‌هایی می‌خواهید با من در میان بگذارید و یا ملاحظه‌کاری کنید یا پرسش‌هایی باید از من بکنید که خلاصه مقتضی با موقعیت من در آن مملکت باشد. ممنونم ازتان آقای داریوش فروهر، که در کمال حوصله به سؤال‌های ما پاسخ دادید. داشتید صبحانه می‌خوردید، آقای فروهر؟

داریوش فروهر: من بعد صبحانه خواهم خورد. بسیار سپاس‌گزارم و امیدوارم در کارتان پیروز باشید. اینکه از گلوی فشرده‌ی ملت ایران صدایی را بیرون بیاورید و به گوش هم‌میهنان دورافتاده برسانید وظیفه‌ی بزرگی است که شما به‌خوبی انجام می‌دهید؛ و برایتان پیروزی امید دارم.

گزارشگر: آقای فروهر، اجازه بدهید یک قولی هم اینجا از شما بگیرم. خیلی از شنوندگان ما در آمریکا و کانادا مایل‌اند که مستقیم با شما گفتگو کنند. ان‌شاءالله یک روز این امکان فراهم بیاید.

داریوش فروهر: اگر مرزهایش روشن باشد، فرض بگیرید اکنون در زمینه‌ی نمایش انتخابات رئیس‌جمهوری، من از هفته‌ی دیگر آماده‌ام که پاسخ دهم.